

نکردم! آیا اصلاً کسی این قانون را به یاد دارد؟ آیا به آن استناد می شود؟ یا اینکه زیر خروارها قانون ومقررات متعارض، مدفون وفراموش شده است؟ از این رو، در خواست رئیس قوه قضائیه از اهالی رسانه برای ارائه پیشنهاد در جهت اصلاح قانون مطبوعات کمک کننده نیست. ضمن آنکه باترکیب مجلس فعلی بیم آن می رود که نه فقط ابرویی از قانون کنونی مطبوعات درست نشود بلکه چشمش هم کور شود! متأسفانه در چارچوب های حقوقی تعریف شده در کشور، دیگر انتظار تغییر و تحولی اساسی ومثبت در حوزه های حکمرانی از جمله دستگاه قضایی، واقع بینانه نیست. کشور برای عبور از این وضعیت نیازمند بازسازی فراحقوقی وبه معنای دیگر تصمیمات کلان واستراتژیک سیاسی است. هر زحمت وتلاشی از سوی قوه قضائیه در چارچوب مناسبات حقوقی جاری، نوعی چرخش به دور خویش است. رئیس قوه قضائیه برای اصلاح معنادر در این دستگاه به خصوص پاکسازی وتنقیح قوانین این مجموعه، انحلال بخش های منسوخ، بازنشسته کردن قضات بیگانه یا علم حقوق وبی اعتنا به حق شهروندی، متفاد ومحدود ومنضبط کردن عموم ضابطان ودر یک کلام دستیابی به استقلال حقیقی، نیاز به یک حکم سیاسی فراحقوقی با تمام اختیارات لازمه دارد. آیا چنین امری ممکن ومیسر است؟ پاسخ آن را باید از رئیس قوه شنید. نکته آخر هم اینکه، قوه قضائیه در ماه های پیش روه به لحاظ ازدیاد پرونده ها، تحت فشار خارق العاده ای قرار خواهد گرفت. واقعیت این است که به دلیل کمبود فرایندآه منابع کشور به خصوص آب، نزاع وجدال وستیز بین شهروندان روندی تصاعدی خواهد گرفت وشمار مراجعه کنندگان به دادگستری را به حدی افزایش خواهد داد که حجم روزافزون پرونده ها جایی برای نفس کشیدن پرسنل قضایی باقی نگذارد. با اصلاح وضعیت باید جلوی این سیلاب را گرفت.

گفتم فهرست زندانیان مدنظر را اعلام کنید تا ما در مورد آنها به بررسی ومذاقه بپردازیم.» به چنین پیشنهادی احتمالاً به احزاب سیاسی داده شده است اما به طورکلی نفس چنین پیشنهادی جای سوال دارد. چرا احزاب باید لیست زندانیان سیاسی با تعریف قانون را بیاورند اما خود قوه قضائیه که هم قانون را برآورد و هم پرونده های افراد در اختیارش است، چنین لیستی راندارد و آن را تهیه نمی کند؟ اگر این را تفویض اختیار بدانیم که تفویض اختیار قابل قبولی به نظر نمی رسد چون نه پرونده این افراد در اختیار احزاب است و نه اطلاعات وسیع آنها در سطح کشوری به احزاب می رسد و علت عدم ارسال لیست از سوی آنها هم همین است. آنها نه بخاطر اینکه زندانیان سیاسی رانمی شناسند بلکه چنین کاری را با توجهی بی اخلاقی انجام نمی دهند. زیرا نه اشرف بر پرونده همه زندانیان سراسر کشور دارند و نه به خود این اجازه را می دهند که لیستی ناقص به قوه قضائیه بدهند که طبیعتاً اگر انجام شود اجحافی به زندانیان سیاسی کمترشناخته شده خواهد بود.

➤ پیشنهادهای ساده اما قابل تحقق

سخنران اخیر این دو مسئول کشور بر این بخش از مشکل درباره زندانیان سیاسی نور تاباند که تاکنون نتوانسته اند لیستی از آنها تهیه کنند. با توجه به آنچه که رئیس قوه قضائیه درباره جرم سیاسی و تعریف زندانی سیاسی مطرح کرده که اختلاف نظر وجود دارد، چند پیشنهاد می توان ارائه داد:

۱- شاید بهترین روش این باشد که هیئتی تشکیل شود از همان سیاستمداران خواهان آزادی زندانیان سیاسی، فعالان حقوق زندانیان سیاسی وحقوقدانانی که معتمد قوه قضائیه هستند تا پرونده ها را بررسی وزندانیان سیاسی را احصا کنندو در لیستی مورد توافق آنها را اعلام وبررسی کنند.

۲- روش دیگر که البته زمانبر است هم می تواند تعریف یک سامانه کشوری باشد که وکلای سراسر کشور نام زندانیان سیاسی که پرونده های آنها را پیگیری کرده اند در آن بارگزاری کنندو در نهایت هیئتی مشابه آنچه در مورد اول گفته شد به بررسی وتفکیک آن بپردازند.

در نهایت هم مسئله جرم سیاسی وامنتی است که در باره آن گویا خلط میحث بسیار شده است وبالاخره باید خط و مرز آن مشخص شود. البته که تعریف قانون درباره جرایم تعریف ضیق است ونیاید با دست باز همه را مجرم امنیتی برای دادن محکومیت بالا تعریف کرد وباهمین قانون وتوجه به همین موارد هم بسپاری را می توان ذیل مجرم سیاسی از گذراندن دوره های طولانی محکومیت رهاساخت.

زندان برای آنها ممنوع است (البته درباره دستبند وپابند چیزی به صورت مشخص در قانون ذکر نشده است) ممنوعیت غیر قابل استرداد بودن مجرم سیاسی نیز در قوانین ما وجود دارد. ممنوعیت بازداشت حبس به صورت انفرادی را داریم. حق ملاقات ومکتبه با بستگان طبقه اول در طول دوره حبس را داریم. حق دسترسی به کتب، نشریات و رادیو وتلوزیون را داریم. اینها چیزهایی است که در قانون ما ذکر شده است. اما از آن طرف، مواردی هم هست که در سایر قوانین اشاره شده است وبه صورت ویژه در لایحه عفو بین الملل ذکر شده که ممنوعیت اعتراف گیری اجباری، ممنوعیت فشار روانی وغیره که مفهوم شکنجه پیدا کند. در مراحل رسیدگی حضور هیئت منصفه، در خصوص جرائم ذکر شده است.

در پایان نکته ای که می توان ذکر کرد این است که یک فرد به صرف سخن گفتن، بدون توهین وافترا، عملاً مرتکب هیچ جرمی نشده است. در صورتی یک فرد مرتکب جرم سیاسی شده که در آن توهین وافترا یا سایر موارد مذکور وجود داشته باشد. اما اینکه کش و جرم امنیتی چیست، چون در قوانین ما به صورت دقیق تشریح نشده، نمی توانیم به صورت جدی حد و مرز آن را در خصوص اعمال یک فعل سیاسی مشخص کنیم. البته اگر دعوت به حرکت مسلحانه، دعوت به تحریک اموال عمومی وموارد این چنینی مطرح باشد یا اندیشه های بنیادگرایانه مسلحانه واین چنینی را تصدیق وترویج کند، می توانیم بگوییم فرد از حیطه حق بنیادی آزادی بیان و آزادی ابراز خویشتن، پا افرازت گذاشته است. اما فارغ از این چنین موارد وباتوجه به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، دامنه بحث جرائم امنیتی در عالم اثبات وجودو چه در عالم ثبوت، علی القاعده بسیار محدودتر از کیفر خواست های موجود است.

فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

عمادالدین باقی، پژوهشگر و فعال حوزه حقوق بشر، در گفت وگویی که با هم میهن داشت، معتقد است که اراده آزادی زندانیان سیاسی وجود دارد. او می گوید پیش از اینکه رئیس قوه قضائیه از لیست سه نفره نام ببرد، لیستی ۷۰ نفره از زندانیان سیاسی را آماده کرده و تحویل عزت الله ضرغامی داده تا سه شنبه [امروز] تحویل رئیس دستگاه دهد.

➤ رئیس قوه قضائیه در دیدار با مدیران مسئول رسانه ها گفته است فقط نام سه زندانی سیاسی به او اعلام شده، نظرتان درباره درخواست لیستی که رئیس قوه قضائیه مطرح کرده چیست؟ شما در واکنش به سخنان رئیس قوه قضائیه در توثیتی اشاره کرده بودید که اطلاع دارید لیست هایی داده شده است.

من به رغم اینکه خیلی آکرا دارم که درباره این نوع فعالیت ها صحبت کنم و یا کار رسانه ای و تبلیغی بشود اما چون موضوع لیست، تبدیل به یک مسئله شده و در رسانه ها درباره آن حرف هایی زده می شود و در این دورو هم بسیار مورد سوال قرار گرفته ام به ناچار در پاسخ شما این توضیحات را عرض می کنم. قطعاً خود قوه قضائیه اگر بخواهد لیست کامل تر ودقیق تری را در مورد زندانیان فراهم کند، نیازی به درخواست لیست از دیگران نیست اما شاید به دلیل اینکه اگر بخواهند خودشان تهیه کنند احتمالاً باید نهاد امنیتی یا دادستانی این کار انجام بدهند و احتمال اعمال نظر از سوی آنان زیاد است و یا به دلیل اینکه می خواهند از طریق نوعی تعامل با جامعه مدنی باشد یا به دلایل دیگر که من نمی دانم، درخواست لیستی می کنند. اگر نهادهای مدنی مستقل مانند «انجمن دفاع از حقوق زندانیان» با محدودیت ها و ممنوعیت ها مواجه نبودند می توانستند اطلاعات دقیق ویروژتری را داشته باشندو در صورت لزوم در اختیار رسانه ها، افکار عمومی و قوه قضائیه قرار دهند. لیست گرفتن هم سابقه دارد. یک بار در زمان ریاست آقای رئیسی بر قوه قضائیه درخواست کردند و لیستی داده شد که اکثر آنها مشمول بخشودگی و آزادی شدند. در دوره ریاست آقای اژه ای هم سابقه داشته از جمله پس از اعتراضات ۱۴۰۱. پیش از حمله تجاوزکارانه آمریکا واسرائیل به کرات در مصاحبه ها ومقالات درخواست کردیم که زندانیان سیاسی وعقیدتی را آزاد کنند اما توجهی نشد تا اینکه از طرف خانم آذر منصوری رئیس جبهه اصلاحات درخواست لیستی شد که به ایشان توصیه کردم به جای لیست دادن، معیارهایی را ارائه کنند چون اگر از طرف فعالان یا نهادهای حقوق بشر لیستی داده شود در چهارچوب وظیفه آنان بوده ومحل شبهه نخواهد بود اما اگر ایشان لیستی بدهند وجود نام بعضی از زندانی ها در لیست ایشان موجب سوء تفاهم از سوی حکومت می شود، اگر کسانی از لیست جا افتاده باشند موجب سوء تفاهم وتصور عمدی بودن از سوی مخالفان می شود، و یا اگر بعضی از زندانی های پس از آزادی دست به اقدامات غیر قابل دفاعی بزنند آن را بیانه برای تحت فشار قرار دادن یک جریان وبه جبهه می کنند اما می توانند معیارهایی را ارائه کرده و روی آن پافشاری کنند مانند اینکه ۱- کلیه کسانی که صراحتاً حمله تجاوزکارانه اسرائیل و آمریکا را محکوم کرده اند مشمول بخشش یا تخفیف حکم قرار بگیرند.

۲- زندانی هایی که مدت کوتاهی به پایان دوره محکومیت شان مانده در اولویت آزادی قرار بگیرند (برای مثال آقای سعید مدنی که هفت ماه و آقای محمودیان که سه ماه و آقای ضیانوی که ۶ ماه به پایان محکومیت شان مانده و یا تعدادی از خانم ها که در چند ماه آینده مدت محکومیت شان تمام می شود)

۳- کسانی که نوع اتهام و محکومیت شان هیچ تناسبی ندارد مانند آقای ققیهیی وکیل دادگستری که به اتهام تجمع آرام و صنفی جلوی کنون وکلا به ۵ سال حبس محکوم شده است.

۴- طبق قانون، کسانی که یک سوم محکومیت شان را سپری کرده باشند می توانند از آزادی مشروط برخوردار شوند. تعداد زیادی از زندانیان سیاسی نمی از محکومیت شان هم سپری شده ومی توانند از این حق قانونی بهره مند شوند. ۵- در مورد بعضی از زندانیان که مشکل قانونی برای آزادی شان وجود دارد از طرف دیگر آزادی شان هم خطری در پی نخواهد داشت از سازو کار عفو و یا استفاده از قانون گذاردن محکومیت با پایند در بیرون زندان استفاده شود و در مرحله بعد در صورت عدم بروز مشکل از عفو برخوردار شوند.

افزون بر آن حدود دو هفته پیش آقای عزت الله ضرغامی تماس گرفتند و گفتند دیدار دوساعته ای با رئیس قوه قضائیه در مورد زندانیان داشته اند و نهایتاً آقای اژه ای درخواست لیستی کرده اند. آقای ضرغامی از من خواستند که این کار را انجام بدهم. این تماس درست در زمانی بود که من به دلایل مختلفی که فعلاً جای توضیح آن نیست، تصمیم داشتم در حوزه حقوق بشر فقط به کارهای پژوهشی ونویسندگی بسنده کنم و از درگیر شدن در کارهای عملی حقوق بشری کناره بگیرم با این حال چند روزی طول کشید تا لیست ۷۰ نفره ای از زندانیان زن و مرد همراه با توضیحاتی در مورد وضعیت افراد تهیه شد. هر چند میل باطنی من این است که شرایطی ایجاد شود تا همه زندانیان بتوانند آزاد شوند اما در هر جای دنیا که بروید قوانین و خط قرمزهایی وجود دارند لذا یکی از معیارها این بود که حتی الامکان لیستی باشد که با سیاست ها وموانع امنیتی کمتری روبه رو باشد. به همین دلیل افراد وابسته به گروه های تروریستی، کسانی که اقدامات مسلحانه انجام داده

سه شنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۸۵۷
www.hammihanonline.ir

نگاه پژوهشگر

عمادالدین باقی نویسنده و فعال حقوق بشر:

لیست هفتاد نفره تحویل داده می شود

بودند، کسانی که اقدامات عملی برای براندازی یا ارتباط با گروه های انحلال طلب ومدافع حمله نظامی به کشور داشتندو همچنین محکومان به جاسوسی در این لیست نبودند و فقط کسانی که اتهامات سیاسی داشتند و معمولاً تحت عنوان تبلیغ علیه نظام یا اجتماع وتبانی برای برهم زدن امنیت محکوم شده اند، باشند. البته در این لیست چند نفر به دلایل خاصی استثنائاً اضافه شده بودند که دلایل آن در نامه آمده بود. برای مثال خانم پخشان عزیزی، شریفه محمدی وریشه مرادی که هر سه حکم اعدام دارند. گرچه در پرونده یک نفرشان اتهام ارتباط با پژاک و یکی با کومله مطرح است اما توضیح داده شد که این سه نفر مرتکب قتل نشده اند، ارتباط خانم عزیزی ومرادی با گروه های کردی در ایران نبوده ودر سوریه نبوده اند، فایل صوتی ومتنی از هر دوی آنها در اختیار داریم که در بحبوحه جنگ حمله آمریکا واسرائیل را سریعاً محکوم کردند، خانم عزیزی هم در حوزه مددکاری فعالیت داشته، و هر سه زن هستند، دو نفرشان گرد و از اهل سنت و طبق اطلاع از پرونده شان هیچ کدام مستحق چنین مجازات سنگینی نیستند؛ خصوصاً در مورد خانم شریفه محمدی که اساساً اصل اتهامش هم محل مناقشه است ودرخواست شده، اعمال ماده ۴۷۷ توسط ریاست محترم پذیرفته شود و حکم اعدام آنها نقض شود که طبعاً آزاد نخواهند شد چون محکومیت شان تبدیل به حبس می شود اما نقض حکم اعدام آنها علاوه بر اینکه عادلانه است با توجه به ویژگی های ذکرشده (به ویژه زن بودن شان)، آثار مثبتی خواهد داشت، یکی دیگر از استثنائات از محکومان به جاسوسی بود که از خانواده شهدا هم هست و متن دادنامه هم ثابت کننده اتهام اونیست و حداکثر یک سهل انگاری صورت گرفته که مجازاتش بسیار سبک تر است ویا چند نفر از زندانیان اهل سنت در بلوچستان که اتهام شان سیاسی است و آزادی آنها پیام مثبتی برای تقویت همبستگی اجتماعی ذکر، ذکر شده است. حکم بعضی از زندانی ها هم بسیار عجیب است؛ مانند حکم زندان آقای حمیدبیدار یا آقای امان الله جلالی که معلم است و شرحی در باره وضعیت این دو زندانی داده شده یا آقای مصطفی فرجی کارمند باننشسته وزارت دفاع که به طرزی باورنکردنی و به تصریح دادنامه به جرم داشتن دو عدد فشنگ ژسه باروت فاسد متعلق به ۳۰ سال پیش که به صورت دکوری در خانه اش بوده به ۵ سال حبس و به خاطر داشتن یک چاقوی سرنیزه که در میدان گمرک هم بدتر از آن را می شود آزادانه خرید، به ۶ ماه حبس محکوم شده البته یک تبلیغ علیه نظام هم چاشنی پرونده او کرده اند ودرخواست کرده که محکومیتش را با پایند در بیرون زندان بگذرانند، بسیاری از زندانیان دیگر مانند آقای قشقالی، باقر بختیار، مصطفی تاجزاده، ابوالفضل قیدانی، سعید مدنی، محمد نجفی، محمدرضا ققیهیی، محمودیان، دوشنبه زاده، محمدنوری زاد، داوود رضوی از اعضای سندیکای انویسورانی، احمد رضا حائری، رضا خندان، سیروس فتحی، حمید قره حسلو خصوصاً همسرش فرزانه قره حسلو که این خانم حقیقتاً به ناحق زندان است وعده ای دیگر که ۳۰ نفرشان از زنان زندانی هستند و تعدادی از آنها یا مدت کوتاهی به آزادی شان مانده یا می توانند مشمول آزادی مشروط شوند هم در این لیست بودند. واقعیت این است که آنها نه مرتکب اختلاس ونه قتل ونه جرایم خشن نبوده اند فقط دیدگاه های سیاسی خودشان را بیان کرده اند که چمبسا خیلی ها هم موافق آن نباشند یا بعضاً ممکن است از نظر حقوقی هم قابل دفاع نباشد ولی یک دیدگاه سیاسی است و از نوع مواضع گروه های برانداز طرفدار حمله تجاوزکارانه آمریکا واسرائیل هم نیستند و یا توجه به شخصیت و دیدگاه شان می توان منکر این شد که آنها زندانی سیاسی وعقیدتی اند.

➤ پس چرا آقای اژه ای اعلام کردند ما درخواست کردیم و هیچ لیستی به ما داده نشده است؟

من هم از این حرف ابتدا شگفت زده شدم و بعد که پیگیری کردم متوجه شدم آقای ضرغامی برای سه شنبه با ایشان قرار دارند وهنوز لیست را تحویل نداده اند؛ هر چند بخشی از این لیست را در بحبوحه جنگ به یکی دیگر از متصدیان قوه قضائیه داده بودیم که توضیحات کوتاه تری در مورد وضعیت زندانیان داشت. من تصور می کنم اراده آزاد کردن زندانیان وجود دارد اما بعضی از اتفاقات وموضع گیری ها این روند را کند می کندوبه دست بعضی از مخالفان این روند بهانه برای سنگ اندازی می دهد. مطمئن هستم زندانیان زیادی وجود دارند که در لیست ما از قلم افتاده اند؛ برای مثال ۱۲ نفر از گردانندگان صفحات اینستاگرامی در رشت که به اتهام انتشار تصاویری از رقص وپایکوبی در معابر عمومی، بازار رشت وپیاده راه فرهنگی شهر بازداشت شده بودند ولی ما اطلاعی از پرونده شان وجزئیات آن رانداشتیم ونمی دانیم چه تعدادشان همچنان در زندان هستند، یا در شهرهای مختلف افرادی به دلیل بعضی از پست ها یا پیامک ها ومواضعی که به نظر ما هم نادرست بوده بازداشت شده اند و خود قوه قضائیه می تواند لیست کامل تری را فراهم کند که آنها را هم شامل بشود و یا آزادی آنها نوعی همدلی ایجاد و فضای عمومی تلطیف شود. البته بعضی افراد مانند دکتر حبیب الله پیمان و همسرشان خانم مینومرناضی لنگرودی که شخصیت های فرهیخته وخوشنامی هستند وزندانی نیستند اما بیش از ۲۰ سال است که به خاطر یک حکم زندان، خانه شان در وثیقه است ومدام از اجرای احکام ابلاغیه برای اجرای حکم یا ضبط وثیقه که خانه محل سکونت شان است می رود و آنها را در سن بالاتر تحت آزار واضطراب قرار می دهد در حالی که اساساً این حکم مشمول مرور زمان ومنسوخ شده و باید قف قرار شود. عجیب این است که در این چند سال نامه های متعددی به رؤسای قوه قضائیه و دیگر مسئولان قضایی و حتی رئیس جمهور فرستاده اند و هیچ پاسخی به آنها داده نشده ومشکل شان هم حل نشده است وعملادست عده ای را برای اذیت وآزار مداوم آنها باز گذاشته اند که باید این نوع رفتارها هم خاتمه پیدا کند.

سیاستمداران

واکنش جبهه اصلاحات به سخنان اژه ای

در پی سخنان اخیر غلامحسین محسنی اژه ای، رئیس قوه قضائیه درباره زندانیان سیاسی، آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات در نامه ای به ایشان، اعتراض جبهه اصلاحات به سخنان ایشان را اعلام کرد. در این نامه که رونوشت آن «شورای اطلاع رسانی دولت در اعتراض به اظهارنظر رئیس این شورا در این خصوص» بوده؛ چنین آمده است: «در پی مکتبه پیشین جبهه اصلاحات ایران با آن مقام محترم که با هدف تقویت انسجام ملی، بازسازی اعتماد عمومی ومساعت به حل وفصل مسائل سیاسی واجتماعی از مسیرهای مدنی وقانونی انجام شد، پاسخی از سوی جنابعالی صادر گردید که در آن، درخواست معرفی اسامی مشخصی از زندانیان سیاسی برای بررسی احتمالی آزادی آنها مطرح شده بود. جبهه اصلاحات ایران، با اتخاذ رویکردی مسئولانه، به جای ارائه فهرستی فردمحور، مجموعه ای از «معیارهاوشخص های حقوقی، سیاسی و انسانی» را جهت شناسایی زندانیان سیاسی واجد شرایط بر خورداری از رأفت قانونی وبازنگری در پرونده ها (به صورت رسمی ومکتوب) ارائه کرد. لازم به تأکید است این معیارها که طی نامه ای به تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۴۰۴ و شماره ج/۴۰۵۴ به دفتر قوه قضائیه ارسال شد، مبتنی بر اصول قانون اساسی، موازین حقوق بشر ومقتضیات منافع ومصلحت ملی تنظیم شده اند. (تصویر آن در پیوست است) با این حال، اظهارنظر اخیر جنابعالی مبنی بر این که «اعلام کنید خودتان بررسی کردید تعداد زندانیان سیاسی ما به ۵ نفر نیز نمی رسد تا تبلیغات سوء مماندین خنثی شود و رنگ ببازد»، موجب شگفتی و تأسف گردید؛ چراکه چنین سخنی با محتوای واقعی پاسخ ارسال شده از سوی جبهه اصلاحات ایران ناسازگار است و می تواند منجر به برداشت های نادرست در افکار عمومی شود. تاآید می کنیم که تعیین مصادیق و تطبیق معیارها با پرونده های موجود، در صلاحیت دستگاه قضایی کشور است واز گروه های سیاسی انتظار نمی رود که وارد فرایند فهرست سازی موردی ومحدود شوند؛ چراکه چنین رویکردی، هم ناقض عدالت عام است و هم به معنای پذیرش تلویحی نگاه تقلیل گرایانه ای است که همه زندانیان سیاسی را ذیل عنوان «امنیتی» تعریف می کند؛ تعریفی که نه با متن قانون اساسی همخوانی دارد و نه با آرمان های انقلاب اسلامی.

جبهه اصلاحات ایران بر مبنای اصول مسلم ومصرح قانون اساسی جمهوری اسلامی به ویژه اصول ۲۳، ۲۴، ۳۲، ۳۷، صراحتاً تأکید می کند که هیچ کس نباید به دلیل عقیده، بیان مسالمت آمیز یا فعالیت مدنی و سیاسی، در بازداشت باشد. ما بر این باوریم هر فردی که به دلیل ابراز عقیده یا مشارکت سیاسی مسالمت آمیز در زندان بهسر می برد، زندانی سیاسی یا عقیدتی محسوب می شود و باید فوراً آزاد گردد. بار دیگر یادآور می شویم در پاسخ به درخواست اخیر جنابعالی برای ارائه فهرست مشخص، تأکید کرده ایم که جبهه اصلاحات ایران، به عنوان جریان سیاسی ملی، تنها می تواند معیار ارائه دهنده زیرآورد به بازی فهرست سازی، به معنای پذیرش تعریف محدود و عبور از حقوق سایر زندانیان بی گناه خواهد بود.» در پایان نیز با عبارت اینکه «اما با صراحت اعلام می کنیم که» چنین آمده است: «اشتی ملی بدون آزادی همگانی زندانیان سیاسی وعقیدتی، ممکن و معتبر نیست. آزادی این زندانیان، نخستین گام واقعی در مسیر وفای ملی، بازسازی اعتماد عمومی وتحقق شعارها ووعده های همگرایی و وحدت ملی است که دولت جدید نیز بر آن تأکید دارد. لذا انتظار می رود رئیس محترم قوه قضائیه، به نگاهی کلان، فراجنبائی و آینده نگر، این گام نخست را در راستای آرام سازی فضای سیاسی، کاهش شکاف ها و بازگشت به مدار گفت وگو وقانون، بردارد.»

دوست و دشمن را بشناسید

فخرالسادات محتشمی پوردر گفت وگو با ایلنا با بیان اینکه مطالبه اصلی ما آزادی زندانیان سیاسی است، گفت: «حداقل انتظار این است که به این زندانیان مرخصی داده شود تا مراحل اداری آزادی انجام گیرد.» محتشمی پور گفت: «اکنون هم به جای تمرکز بر نفوذی ها، بیشترین مراقبت را بر مخالفانی اعمال می کنند که حتی ممکن است قصد براندازی هم نداشته باشند و صرفاً منتقد و به دنبال اصلاح امور باشند. انتظار ما این است که آقایان کمی دقت بیشتری کنند، دوست ودشمن را بشناسند و دوستان ودلسوزان این کشور و خانواده هایشان را در تنگنا قرار ندهند.»

